

چالش‌های کلامی شبیه‌سازی انسان

*
عبدالمجید مقامی

چکیده:

فن‌آوری شبیه‌سازی انسان، چالش‌هایی را در عرصه‌های مختلف زندگی دینی، اخلاقی، اجتماعی و حقوقی برانگیخته است. در جریان شبیه‌سازی که انتقال هسته سلول جسمی به تخمک بدون هسته است، موجودی مطابق با صاحب سلول جسمی به وجود می‌آید. درباره این تکنولوژی، بیم‌ها و امیدهایی وجود دارد و علی‌رغم طرفداران فراوان، گروهی آن را از جنبه‌های مختلف به چالش کشانده و خواستار ممنوعیت آن شده‌اند.

این مقاله، دلایل و چالش‌های کلامی شبیه‌سازی را طرح و بررسی کرده است و در آن به شبهاتی چون نفی خداوند، تحقق خلق به دست انسان، تغییر خلقت، مختل شدن نظام زوجیت و نقض تنوع افراد انسانی پرداخته شده و ثابت گردیده است که هیچ‌کدام از این چالش‌ها، نمی‌تواند دلیلی بر ممنوعیت شبیه‌سازی باشد. در پایان، کیفیت حشر انسان‌های شبیه‌سازی شده به صورت یک سؤال مطرح و به آن جواب داده می‌شود.

واژگان کلیدی: شبیه‌سازی انسان، چالش‌های کلامی، نفی خداوند، تغییر خلقت، نظام زوجیت، تنوع و حشر.

* عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی دزفول.

تاریخ تأیید: ۸۷/۹/۱۹

تاریخ دریافت: ۸۷/۵/۱۵

طرح مسأله

یکی از ویژگی‌های انسان، شوق فراوان او نسبت به کشف مجهولات و به‌دست آوردن اسرار آفرینش در زمینه‌های مختلف است و این امر، سبب اکتشافات و نوآوری‌های فراوانی گشته است. علم ژنتیک، یکی از این ثمرات است و موفقیت دانشمندان در عرصه شبیه‌سازی گیاهی و حیوانی، زنگ شبیه‌سازی انسان را به‌صدا درآورده است. شبیه‌سازی انسان، پیامدهای گوناگونی را در حیات فردی و اجتماعی او به‌دنبال دارد. بر این اساس، امکان شبیه‌سازی انسان، حساسیت‌هایی را برانگیخته است و صاحبان ادیان نیز با این بحث درگیر شده و پرسش‌هایی را پیش کشیده‌اند؛ از جمله اینکه آیا شبیه‌سازی انسان با مبانی دینی سازگار است؟ این امر چه آثاری بر زندگی انسان می‌گذارد؟ و... در این مقاله، برخی از چالش‌های کلامی این پدیده، نقد و بررسی می‌شوند.

تاریخچه

ایده شبیه‌سازی انسان، ریشه در داستان‌ها، پیشگویی‌ها و فیلم‌های تخیلی هالیوود دارد. از آن جمله، فیلم «پسران برزیلی» است که نمایشگر تلاش نئونازیست‌ها برای شبیه‌سازی هیلتر بوده و موفقیت آنان را به‌تصویر کشیده است. نمونه دیگر، رمان **دنیای شگفت‌انگیز نو** نوشته آلدوس هاکسلی است که در سال ۱۹۳۲ در لندن منتشر شد و به‌دنبال آن شبیه‌سازی انسان مطرح گردید. (حسینی، ۱۳۸۱: ۳، ۱۹۷۲)

در مقام اثبات و حقیقت نیز دانشمند گیاه‌شناس آلمانی به‌نام هربرت وبر، تلاش‌هایی را در مورد گیاهان و بعضی از جانوران ساده، مثل کرم‌ها انجام داد. به‌دنبال آن در سال ۱۹۷۰ جان گاردن، تلاشی را در مورد شبیه‌سازی قورباغه انجام داد و توانست از طریق انتقال هسته، یک نوزاد قورباغه را کلون نماید؛ هرچند آن‌قدر زنده نماند تا کامل گردد. این تلاش‌های محققان علم ژنتیک همچنان ادامه داشت

تا اینکه سرانجام گروهی از دانشمندان مؤسسه «رازلین» در شهر ادینبورگ اسکاتلند، اقدام به اصلاح نژاد حیوانات اهلی به روش شبیه‌سازی نمودند، درنهایت، تلاش آنها در پنج ژولای ۱۹۹۷ به‌ثمر رسید و یان ویلموت، نخستین پستاندار شبیه‌سازی شده (گوسفند) را متولد کرد و نام آن را «دالی» گذاشت. (ناظمی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۹)

این دانشمند اسکاتلندی پس از ۲۷۶ بار آزمایش ناموفق، توانست با برداشتن یک سلول از پستان یک میش سفید باردار و قرار دادن آن در داخل تخمک بدون هسته از یک گوسفند ماده دیگر، به‌کمک تحریک الکتریکی، آن را بارور سازد و به تقسیم سلولی برانگیزد. او سپس آن را داخل رحم همان گوسفند صاحب تخمک قرار داد و بعد از مدتی، یک بره سالم متولد شد که کاملاً شبیه گوسفند سفید باردار بود و تا هفت سال هم زنده ماند.

این فن‌آوری را «کلونینگ» یا شبیه‌سازی نامیدند. انتشار خبر تولد «دالی» از طریق شبیه‌سازی، حساسیت‌های ویژه‌ای را به‌وجود آورد؛ زیرا پس از شبیه‌سازی گوسفند، فکر مهندسان ژنتیک، متوجه شبیه‌سازی انسان شد و در محافل مختلف، سخن از گسترش این فن‌آوری بود. سرانجام در روز ۲۷ دسامبر ۲۰۰۲ (۱۳۸۱/۱۰/۶) خبر هراس‌انگیزی مبنی بر تولد نخستین نوزاد انسانی شبیه‌سازی شده از سوی شرکت آمریکایی «کلوناید» به سراسر جهان مخابره شد. (همان: ۳۲)

با جدی شدن بحث شبیه‌سازی انسان، پرسش‌های اجتماعی و کلامی فراوانی مطرح گردید؛ از جمله اینکه:

- اگر انسانی خارج از سنت زوجیت به‌وجود آید، تکلیف نهاد خانواده چه می‌شود؟

- هویت و کرامت انسان، اخلاق و وضع روحی و روانی او چگونه شکل خواهد گرفت؟

- انسان‌هایی که از این فرایند تولید می‌شوند، چگونه انسان‌هایی خواهند بود و

آیا در مسیر انسانیت و تکامل خود قدم برمی‌دارند یا به سمت سقوط و نابودی پیش خواهند رفت؟

- آیا انسان، جای خالق آسمان و زمین را می‌گیرد؟

طرح چنین پرسش‌هایی باعث واکنش دولت‌ها و مجامع علمی، فرهنگی و دینی در مقابل این مسأله گردید. کنفرانس عمومی یونسکو در نشست بیست و نهم خود در سال ۱۹۹۷ بیانیه جهانی «ژنوم انسانی و حقوق بشر» را در ۲۵ ماده به تصویب رساند. ماده ۱۱ این بیانیه چنین است:

اعمال و فعالیت‌های مغایر با حیثیت و کرامت انسانی، از قبیل شبیه‌سازی مولد انسان‌ها نبایستی مجاز شمرده شود. از دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح دعوت می‌شود تا در شناسایی این فعالیت‌ها و تعیین اقداماتی که در سطح ملی یا بین‌المللی برای تضمین رعایت اصول مندرج در این اعلامیه مناسب است، همکاری کنند.
(محمدی، ۱۳۸۷: ۴۰۱)

ژاک شیراک، رئیس‌جمهور وقت فرانسه، همتاسازی انسان را یک اقدام جنایتکارانه خواند و خواستار ممنوعیت آن در سرتاسر جهان شد. وی همچنین این عمل را مخالف حیثیت و شرافت انسانی دانست. (فوزی، ۱۴۲۰: ۲۴۳)

کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا نیز بعد از تولد «دالی» از کمیته مشورتی جنبه‌های اخلاقی - پژوهشی در علوم زیستی، درخواست راهنمایی کرد و این کمیته به او توصیه نمود تخصیص بودجه از طرف دولت فدرال برای پژوهش در مورد شبیه‌سازی انسان را ممنوع کند. (فوکویاما، ۱۳۸۴: ۱۱۵)

رئیس مجلس اروپا، شبیه‌سازی انسان را غیر قابل قبول دانست و به گروهی از متخصصان مأموریت داد تا این مسأله را بررسی کنند و از طرف مجلس اروپا، ممنوعیت آن را به دولت‌ها اعلام نمایند. (فوزی، همان: ۲۴۴) دولت روسیه آن را

منع نکرد، اما برای آن قیود و شرایطی قرار داد تا حقوق انسانی حفظ شود. دولت استرالیا نیز استفاده از آن را برای اهداف غیرطبیعی منع کرد. (سعدی، ۱۴۲۳: ۳۶۷ و ۴۳۳)

کشورهای اسلامی، از جمله پاکستان، عربستان، مصر، کویت و قطر نیز اقدامات مشابهی را برای ممنوعیت آن انجام دادند. (همان: ۲۴۵) وزیران بهداشت کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، مخالفت کامل خود را با شبیه‌سازی انسان اعلام کردند و آن را بزرگترین جنایتی که با اخلاقیات پزشکی ناسازگار است، معرفی نمودند. (www.emi.ae:2000/1/9) صاحب‌نظران و دانشمندان ادیان و مذاهب، از جمله علمای مسلمان هم در مقابل این پدیده موضع‌گیری کردند و ایده‌های فراوانی به صحنه نقد و بررسی این پدیده پانهادند.

تکنیک‌های شبیه‌سازی در حیوان و انسان

این فن‌آوری به سه روش عملیاتی می‌شود:

۱. شبیه‌سازی عضوی یا سلولی

در این روش، یک سلول از یک عضو خاصی از پیکر موجود زنده - مثل سلول پوست یا کلیه - گرفته می‌شود و با تمام محتویاتش اعم از پوسته بیرونی، سیتوپلاسم و هسته که از کروموزم‌های ویژه‌ای تشکیل یافته است، در یک مکان جدید مصنوعی قرار داده می‌شود تا از غذای مصنوعی استفاده کند و سلول‌های همسان و به‌هم پیوسته‌ای را تکثیر نماید. در نتیجه این فرایند، عضو جدیدی مثل قطعه‌ای از پوست یا کلیه، با تمام خصوصیات آن عضوی که سلول از آن گرفته شده بود، به‌وجود می‌آید. این عضو جدید در درمان بیماران به‌کار می‌رود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۲. شبیه‌سازی جنینی یا همسان‌طلبی

در این روش، تخمک لقاح‌یافته با اسپرم مرد در رحم زن، شروع به تکثیر سلولی می‌کند و همه این سلول‌ها در پوسته‌ای که به آن «زایگوت» می‌گویند، قرار می‌گیرند. این فن‌آوری به انسان کمک می‌کند تا بتواند پوسته این سلول‌ها را بشکافد و با جدا کردن سلول‌ها از یکدیگر، هر کدام را در رحم زن و یا در مکان دیگر قرار دهد تا رشد نماید. این سلول‌ها همسان و در کلیه صفات و ویژگی‌ها، همانند خواهند بود و از آنها فرزندان چندقلوی بسیار شبیه به هم متولد می‌شوند. (مؤمن، ۱۳۸۴: ۴۶)

۳. شبیه‌سازی انسانی یا جسدی و جسمی

در این روش، هسته سلول جسمی یک موجود زنده در یک تخمک بارورنشده بدون هسته قرار می‌گیرد. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۵۹) این روش به دو صورت انجام می‌شود: یک. شبیه‌سازی درمانی که به نام‌های «شبیه‌سازی تحقیقاتی» و «شبیه‌سازی بیومدیكال» نیز معروف است. در این نوع نیز از روش انتقال هسته سلول استفاده می‌نمایند، لیکن پس از تشکیل پیش‌رویانه، آن را به درون رحم منتقل نمی‌نمایند؛ بلکه ۴ تا ۵ روز پس از تشکیل آن، سلول‌هایی از آن استخراج می‌کنند که «سلول‌های بنیادی» نام دارند و سپس پیش‌رویانه از بین می‌رود. هدف اصلی این نوع شبیه‌سازی، تولید نسخه‌ای سالم از بافت‌ها و اندام‌های معیوب یک فرد و درنهایت، پیوند زدن این تولیدات به اوست. (محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹)

دو: شبیه‌سازی انسانی یا همان شبیه‌سازی درمانی که پس از تشکیل پیش‌رویانه، آن را در رحم می‌گذارند تا جنین شکل گرفته، نوزادی به‌وجود آید. (اسلامی، ۱۳۸۶ الف: ۸۹)

موضع‌گیری‌های دانشمندان ادیان

کلیسای کاتولیک، قاطعانه هرگونه تلاش برای شبیه‌سازی انسانی را محکوم می‌کند و آن را عملی غیراخلاقی و ناقض کرامت انسانی می‌شمارد. این نهاد، هیچ فرقی میان شبیه‌سازی انسانی و درمانی نمی‌گذارد؛ زیرا در شبیه‌سازی درمانی نیز رویان شکل می‌گیرد و آنگاه نابود می‌شود و این با اصلی‌ترین حق هر انسانی، یعنی حق حیات مغایر است. البته با توجه به پیشرفت این فن‌آوری، جایی برای این نگرانی وجود ندارد؛ زیرا در شبیه‌سازی درمانی، به‌جای استفاده از تخمک انسان، می‌توان از تخمک حیواناتی مثل خرگوش استفاده کرد که رویان تشکیل‌شده از آن، استعداد تبدیل شدن به انسان را ندارد. از این‌رو مرحوم دکتر کاظمی، رییس سابق پژوهشکده رویان، در این‌باره معتقد بود:

دانشمندان برای رفع نگرانی‌ها در مورد ملازم بودن پیشرفت‌های کلونینگ با از بین رفتن جنین‌ها، سلول‌های بنیادی انسان را در تخمک خرگوش کلون کردند و دیدند که این سلول‌ها به انسان تبدیل نمی‌شود و قوا و قوه انسانی و تولد را هم ندارند و تنها سلول‌های یدکی را تولید می‌کنند. با این پیشرفت، خیلی از محدودیت‌ها و چالش‌های اخلاقی و حقوقی هم حل می‌شود. (کاظمی، ۱۳۸۵: ۲۴۲)

عالمان مسلمان، شبیه‌سازی درمانی را مجاز می‌شمارند (همان: ۸۱) و بعضی از آنها مثل قرضاوی، مفتی مصر، در مصاحبه خود با روزنامه *الرایة* شبیه‌سازی درمانی را در بعضی از موارد واجب می‌داند. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۵۵) ولی آنها در مورد شبیه‌سازی انسان اختلاف‌نظر دارند؛ گروهی آن را حرام و گروهی دیگر آن را مجاز می‌شمارند و هرکدام برای اثبات فتوای خود به دلایل مختلف تمسک کرده‌اند. دلایل حرمت شبیه‌سازی انسان در زمینه‌های مختلف فقهی، حقوقی، اخلاقی، کلامی، اجتماعی - روانی و علمی هستند.

دلایل کلامی، بیشتر از جانب علمای اهل سنت و برای حرمت مطرح شده است؛ گرچه محمدسلیمان اشقر، قوت دلایل کلامی برای حرمت شبیه‌سازی را کافی نمی‌داند. از میان علمای شیعه نیز علامه محمدمهدی شمس‌الدین از لبنان برای حرمت، به دلایل کلامی هم تمسک کرده است.

ما فارغ از اینکه دلایل کلامی، از جانب پیروان چه مذهب و آیینی مطرح شده باشند، آنها را بررسی می‌کنیم. مراد از دلایل کلامی، دلایلی هستند که ناظر به یک یا چند اصل اعتقادی دین باشند. از نگاه کلامی، اینچنین تصور می‌شود که این فن‌آوری با بعضی از اصول اعتقادی دین مثل خالقیت، مشیت و اراده خداوند در تعارض است و در نتیجه باید به منع آن فتوا داد.

مهم‌ترین دلایل کلامی که مخالفان شبیه‌سازی انسان مطرح کرده‌اند، عبارتند از: نفی خداوند، تحقق خلقت به‌دست انسان و سست شدن اعتقادات مردم، تغییر خلقت، ادعای خدایی کردن انسان، مختل شدن نظام زوجیت و نابود شدن سنت مختلف بودن افراد انسان. بعضی هم زنده شدن انسان‌ها بعد از مرگ به‌وسیله شبیه‌سازی را به‌عنوان یک سؤال ذکر نموده‌اند و ما هم آن را به‌دلیل ارتباط با معاد مطرح کرده‌ایم.

۱. شبیه‌سازی انسان و نفی خداوند

ایده نفی خداوند و طرح خداوندگاری انسان روی زمین، یک ایده قدیمی است که قرآن کریم آن را از زبان بعضی از انسان‌های گذشته چنین نقل فرموده است: «فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى.» (نازعات، ۲۴) و «مَا عَلَّمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرِي.» (قصص، ۳۸)

طبق این آیات، فرعون، خدای موسی را نفی و خود را به‌عنوان پروردگار معرفی می‌کند؛ او اعلام می‌دارد همان وظیفه‌ای که خدای موسی در حق انسان انجام می‌دهد، در توان او هم هست. شبیه همین نظریه در میان بعضی از فلاسفه غربی

هم وجود دارد. نیچه معتقد بود باید فکر وجود داشتن خدا را از زندگی انسان کنار گذاشت و انسان را خداوندگار حساب کرد و لذا او باید خود را پرستش نماید. (فروغی، ۱۳۶۶: ۳، ۲۰۱)

انسان در فن‌آوری ژنتیک به قلعه‌های بلندی از پیشرفت دست یافته است، به‌گونه‌ای که بر منبع رفتارهای فکری، روحی و روانی فرد (ژن) تسلط پیدا کرده است و می‌تواند از راه تغییراتی که در آن ایجاد می‌کند، انسان دلخواه خود را به‌وجود آورد.

بعضی می‌گویند: اگر انسان به این مرحله از توانایی برسد، حالتی شبیه روحیات فرعون برای او هم پدیدار می‌شود و ادعای مقام الوهیت می‌کند و این از مهم‌ترین خطراتی است که می‌تواند عامل مهمی برای تثبیت نظریه خداوندگاری انسان انگاشته شود.

بعضی دیگر، همین حالت روانی خداانگاری انسان را که در اثر این توانایی رخ می‌دهد، به‌گونه‌های دیگر مطرح کرده و برای مبارزه با شبیه‌سازی انسان، به آن تمسک یافته‌اند. اینک به برخی نمونه‌ها اشاره می‌شود:

یک. از زمان شبیه‌سازی «دالی» بعضی ادعا کرده‌اند دانش و دانشمندان در امر آفرینش، جای خدا را گرفته‌اند و می‌توانند موجود جدیدی خلق نمایند. (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۱۴۳)

دو. اگر جامعه‌ای در دوره خاصی از فردی اطاعت کند - مانند اطاعت آلمانی‌ها از هیتلر - ممکن است تکنولوژی شبیه‌سازی، این انسان را به جایی برساند که نقش خدا را بازی کند و خود را پرستش نماید. بنابراین فرایند شبیه‌سازی به صلاح بشریت نیست و هیچ سودی به حال او ندارد. (مصباح‌یزدی، ۱۴۱۹: ۳۷)

سه. پاپ ژان پل دوم درباره کسانی که در پی شبیه‌سازی انسان هستند، می‌گوید:

پروژه‌گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

آنان از سر تکبر، این باور را در سر دارند که پروژه آنها از پروژه خالق برای بشریت بهتر است و این یعنی خود را خدا پنداشتن و از حدود انسانی و محدوده مجاز بیرون رفتن است. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۸۴)

چهار. پدر ویلیام مائستری در مورد شبیه‌سازی می‌گوید:

ما تلاش می‌کنیم تا از طریق این تکنولوژی، خدا شویم و این وسوسه همیشگی بوده تا فقط خودمان را جای خدا بگذاریم. (همان: ۸۵)

در پاسخ به این گونه شبهات می‌توان چنین گفت:

یک. انسان به دلیل ویژگی‌های خاص خود، هرگاه حالت استغنا پیدا کند و بر مرکب غرور و خودخواهی سوار شود، هیچ حد و مرزی را نمی‌شناسد و طغیان کرده، ادعای الوهیت می‌کند؛ چه فن‌آوری شبیه‌سازی باشد و چه سایر فن‌آوری‌ها؛ همان‌گونه که قرآن می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ» (علق، ۶ و ۷) حالت استغنائی از خداوند و مستقل شدن از او ممکن است در هر شرایط و موقعیتی برای انسان به وجود آید؛ همان‌گونه که وقتی فرعون خود را حاکم مطلق بر جان، مال و ناموس مردم دید، ادعای خدایی کرد. پس نمی‌توان گفت: فقط شبیه‌سازی، انسان را به این وادی گمراهی می‌کشاند.

دو. انسان با نیروی اندیشه می‌تواند قوانین حاکم بر خلقت را کشف نماید و به چگونگی خلقت انسان و کم و کیف آن پی ببرد تا بتواند یک فرد انسانی را به وجود آورد؛ اما مهم آن است که هرگز نمی‌توان بدون بهره‌گیری از مصنوعات خداوند، دست به شبیه‌سازی انسان زد؛ چون مهم‌ترین ابزار شبیه‌سازی، سلول است که آن هم مصنوع خداوند می‌باشد. با وجود این، معنا ندارد انسان ادعای الوهیت نماید؛ بلکه چه بسا دانشمندان با دیدن صحنه عجیب ساختمان بدن انسان، به عظمت

خدای متعال پی ببرند و خاضعانه، سر بر آستان مالک ملک و ملکوت فرو آورند. سه. هرگز جانشین کردن انسان به‌جای خدا و نفی خالق یکتا، جزء اهداف به‌وجود آوردگان این فن‌آوری نبوده است. در همین راستا، ویلموت در کتاب خود، **خلقت دوم دالی و عصر کنترل بیولوژیکی**، هدف خود از ساخت «دالی» را تولید داروهای مورد نیاز بیماران ذکر می‌کند. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۶۰)

شبیه خداوندگاری انسان از جانب عالمان الهی در ارتباط با شبیه‌سازی انسان مطرح شده است؛ البته ممکن است به دنبال هر اکتشاف علمی، سوء استفاده‌هایی صورت پذیرد و شبیه‌سازی انسان هم از این امر مستثنا نیست و نباید به‌بهانه این سوء استفاده‌ها، با این فن‌آوری مقابله کرد.

۲. آفرینش به‌دست انسان

چالش کلامی دیگر در مورد شبیه‌سازی انسان، جنبه آفریدگاری انسان در عرض خداوند است. اکنون باید روشن شود شبیه‌سازی انسان، خلق و ابداع است یا مونتاژ و سرهم کردن مخلوقات خداوند؟

بعضی شبیه‌سازی را یک نوع خلق می‌دانند و این عملیات را به خلقت حضرت عیسی و آفرینش حوا از دنده آدم تشبیه نموده‌اند. (احمدسالم حسن، ۱۴۲۹: ۲۷۰)

به‌منظور پاسخ به این شبهه، نخست لازم است کاربرد واژه «خلق» را در منابع لغت و قرآن واکاوی کنیم.

۱-۱. معنای لغوی خلق

ابن‌منظور می‌گوید: «خلق در کلام عرب، ابداع چیزی است که مثل آن از قبل وجود نداشته باشد.» و از ابن‌انباری نقل می‌کند که «خلق دو معنا دارد؛ یکی انشا به‌معنای ابداع و دیگری تقدیر.» در قرآن نیز آمده است: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ

الْخَالِقِينَ» و معنای «احسن الخالقین»، «احسن المقدرین» است. (ابن منظور، بی تا: ۵، ۱۳۹)

۱-۲. معنای قرآنی خلق

واژه خلق در قرآن هم به معنای مصدری (به وجود آوردن و ابداع کردن) و هم به معنای اسم مفعولی (مخلوق) به کار رفته است. (ابن زکریا، ۱۴۰۴: ۲، ۲۱۳) بعضی از قرآن پژوهان نیز چندین معنا برای خلق قایل شده‌اند: یک. ابداع و ایجاد؛ مانند «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ.» (سجده، ۴) دو. ایجاد چیزی از چیز دیگر؛ مانند «خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ.» «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ.» (نحل، ۴) خلق به معنای ابداع و ایجاد از عدم، مختص خداوند است. سه. استحاله و دخل و تصرف در چیزی؛ مانند: «وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي.» (مائده، ۱۱۰)

چهار. اگر خلق در مورد عموم مردم استعمال شود، به دو معناست، یکی به معنای تقدیر و دیگری به معنای کذب؛ مانند: «وَ تَخْلُقُونَ إِفْكَاً.» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۲: ۱۵۷)

مهم‌ترین معنای لغوی خلق، همان ابداع و ایجاد چیزی از عدم است و همان‌طور که راغب و دیگران گفته‌اند، این معنا مخصوص خداوند است: «هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ» (فاطر، ۳) واژه خلق، برای انسان هم استعمال می‌شود؛ که در چنین مواردی، به معنای دخل و تصرف در مخلوق خداوند است؛ بدین جهت، خداوند از بنا کردن ارم به خلق تعبیر کرده است: «لَمْ يَخْلُقْ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ.» (فجر، ۸) از این آیه و امثال آن استفاده می‌شود که خلق، به معنای دخل و تصرف در

مصنوعات خداوند، برای انسان جایز است. مانند: «وَإِلَىٰ تَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ.» (هود، ۶۱)

شبیه‌سازی هم یک عملیات دخل و تصرف در مخلوقات خداوند است؛ چون اساس آن، سلول است که آن هم ساخته خداوند می‌باشد، نه ساخته انسان. همچنین واضح است که خلق به معنای ابداع شیء، بر شبیه‌سازی انسان صدق نمی‌کند و قرآن هم با صراحت می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ.» (حج، ۷۳)

بعضی از علمای اهل سنت می‌پذیرند که شبیه‌سازی به معنای خلق و ابداع نیست و اگر تمام انسان‌ها جمع شوند و فکر، نیرو و امکانات خود را روی هم بگذارند، نمی‌توانند حتی چیز بسیار کوچکی را ابداع نمایند؛ ولی از فهم اعتقادی ناصحیح مردم در هراس هستند که شبیه‌سازی را خلق و ابداع بدانند و آهسته آهسته به این باور برسند که بالاخره موجودی در کنار خداوند وجود دارد که بتواند چیزی را خلق نماید و بر همین اساس، شبیه‌سازی را حرام دانسته‌اند. این بحث در کتب **الاستنساخ و الانجاب**، اثر کارم السید غنیم، **الاستنساخ البشري بين القرآن و الحديث**، نوشته محمد علوان و **الاستنساخ في ميزان الاسلام**، به قلم ریاض احمد عوده‌الله به تفصیل مطرح شده است.

به نظر می‌رسد این ایده نادرست است؛ زیرا: اولاً، احکام شرعی، مبانی خاصی دارند و باید براساس آنها حلیت و حرمت اشیا و افعال استنباط شود. نمی‌توان به بهانه سست شدن اعتقادات مردم، به حرمت شبیه‌سازی انسان حکم کرد؛ در این صورت باید به حرمت بسیاری از اکتشافات بشری فتوا داد و جامعه مسلمین را از کاروان علم و دانش، عقب نگه داشت؛ امری

که با پیام مؤکد اسلام مبنی بر لزوم فراگیری علم و دانش در هر زمان و مکان و از هر کس منافات دارد.

ثانیاً، باید تلاش شود تا سطح معرفت دینی مردم بالا رود، به گونه‌ای که فن‌آوری شبیه‌سازی و امثال آن را دلیلی بر عظمت خداوند متعال بدانند و اعتقادات آنها مبرهن گردد تا از حالت جهل و بی‌خبری بیرون آیند.

ثالثاً، امروزه که علم و دانش در میان جوامع بشری و دورافتاده‌ترین مجامع انسانی در حال توسعه است، این گونه تحریم‌ها سبب رکود جوامع اسلامی و تنفر غیر مسلمانان از اسلام خواهد شد. افزون بر آن، لازمه خاتمیت دین اسلام و جهانی بودن آن، این است که اسلام بتواند تمام نیازهای بشر را پاسخ دهد، به گونه‌ای که دانشمندان واقعی و کسانی که دنبال حقیقت هستند، آن را مخالف با علم و دانش نپندارند؛ همان اتفاق ناگواری که درباره مسیحیت رخ داد و تعارض بین علم و دین پایه‌های کلیسا را سست نمود!

تشبیه شبیه‌سازی انسان به خلقت حضرت عیسی و حوا نیز صحیح نیست؛ زیرا: اولاً، تکنیک شبیه‌سازی می‌تواند انسان مؤنثی را از انسان مؤنث تولید کند؛ ولی نمی‌تواند انسان مذکری را از سلول مؤنث یا برعکس به وجود آورد؛ در حالی که حضرت عیسی از مریم و نیز حوا از آدم به وجود آمدند.

ثانیاً، خلقت حضرت عیسی معجزه است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ.» (آل عمران، ۵۹)

پس وجود حضرت آدم معجزه است و هر آنچه خلقتش مثل حضرت آدم باشد، معجزه خواهد بود و معجزه از دست هیچ‌کس غیر از خداوند و انبیای الهی ساخته نیست.

ثانیاً، درباره روایات حاکی از خلقت حوا از دنده آدم نیز باید گفت: این گونه روایات با روایاتی که خلقت حوا را از گل دانسته‌اند، متعارض هستند.

۳. شبیه‌سازی انسان و تغییر خلقت

بعضی برای حرمت شبیه‌سازی انسان، این شبهه کلامی را مطرح کرده‌اند که این فرایند، تغییر دادن خلق خداوند و یک عمل شیطانی و حرام است. این چالش را بعضی از علمای اهل سنت مطرح کرده‌اند. (اشقر و دیگران، ۱۴۲۱: ۷۵۷ - ۷۵۹) آنها برای حرمت تغییر در خلقت، به برخی آیات و روایات استناد کرده‌اند؛ از جمله وقتی خداوند، شیطان را از درگاه خود راند و او را لعن کرد، شیطان به خداوند گفت: «وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغْيِرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ.» (نساء، ۱۱۹) بر این اساس، تغییر در خلق، به امر شیطان است و شیطان هم فقط به فساد، فحشا و معاصی امر می‌کند؛ در نتیجه، تغییر در خلق حرام است. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۳) آیه دیگر مورد استناد آنها این آیه است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ.» (روم، ۳۰)

همچنین بخشی از حدیثی که برای حرمت تغییر خلق به آن تمسک کرده‌اند، چنین است:

لعن عبدالله الواشِمَاتِ و المُنْتَصِمَاتِ و الْمُتَفَلِّجَاتِ لِلْحُسْنِ، الْمُعَيَّرَاتِ خَلَقَ اللَّهُ فَقَالَتْ أُمَّ يَعْقُوبُ: مَا هَذَا؟ قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: وَ مَا لِي لَا أَلْعُنُ مَنْ أَلْعَنَهُ رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ فِي كِتَابِ اللَّهِ: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، زَنَانِي رَا كِه خَالِ كُوبِي مِي كُنْد، زَنَانِي كِه صُورَتِ خُود رَا بِنْد مِي آندازند، زَنَانِي كِه مِيان دندان‌های خود فاصله مِي آندازند و خلقت خداوند را تغيير مِي دهند، لعن كرد. ام يعقوب به او گفت: چرا آنها را لعن مِي كني؟ او گفت: چرا كساني را كه پيامبر آنها را لعن كرده است، لعن نكنم، در حالي كه و اين مطابق كتاب خداست.

گویا سبب لعن در این روایت، تغییر در اعضا و اجزای بدن دانسته شده است. بر این اساس، دلیل بر حرمت شبیه‌سازی آن است که این عمل، تغییر خلق و طبق

آیات و روایات حرام است.

در پاسخ به این اشکال می‌توان گفت:

اولاً، منظور از تبدیل خلق در آیه مبارکه «لَا تُبْدِلْ لِحَلْقِ اللَّهِ» همان طوری که مفسران گفته‌اند، دین فطری و فطرت انسان‌هاست. تبدیل و تغییری در دین و فطرت به وجود نمی‌آید و انسان‌ها براساس فطرت زندگی می‌کنند. بسیاری از مفسران اهل سنت، همین نظریه را در تفسیر این آیه پذیرفته‌اند. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۳) بدیهی است که این معنا ربطی به شبیه‌سازی انسان ندارد.

علامه طباطبایی هم می‌فرماید: «هیچ بعید نیست که مراد از تغییر خلقت در آیه، خروج از حکم فطرت و رها کردن دین حنیف باشد.» (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۵، ۸۵) شیخ طوسی هم در ذیل همین آیه، روایاتی را از ابن عباس نقل می‌کند که مراد از تغییر خلقت را همان تغییر دادن دین خدا می‌دانند. (طوسی، بی‌تا: ۳، ۳۳)

اما حدیث یادشده نیز حجیت ندارد؛ چون قول عبدالله بن مسعود است، نه قول معصوم و بنابر نظر علمای تشیع و محققان از اهل سنت، قول صحابی حجت نیست.^۱ اما بر فرض که قول ایشان حجت باشد، تقلیح (فاصله انداختن بین دندان‌ها)، وشم (خال کوبی) و نمص (بند انداختن به صورت) تغییر در جسم هستند که انسان را به گونه‌ای دیگر، غیر از گونه‌ای که خداوند او را به وجود آورده است، نشان می‌دهد و این کار بر شبیه‌سازی که ایجاد نمونه‌ای طبق اصل خود است، منطبق نمی‌شود؛ مگر اینکه منجر به کارهایی مثل به وجود آمدن مرغ شش‌پا یا مرغ

۱. در مورد حجیت قول صحابی باید گفت: از نظر علمای شیعه، قول صحابی و غیر معصوم مطلقاً حجت نیست و به اجماع اهل سنت، در مسایل اجتهادی، قول صحابی برای صحابی دیگر حجت نیست. این اجماع را قاضی ابوبکر، آمدی، ابن حاجب و دیگران نقل کرده‌اند؛ ولی در حجیت قول صحابی برای تابعین و نسل بعد، اختلاف نظر دارند. قول مشهور علمای اهل سنت، عدم حجیت است. برای اطلاع بیشتر بنگرید به: *اصول الفقه الاسلامی*، امیر عبدالعزیز: ۲، ۴۹۷.

دوسر یا گاو یک چشم بشود. (اشقر، همان: ۲۳)
ثانیاً، شبیه‌سازی انسان، تغییر در خلق خداوند به گونه‌ای که چیز جدید و بی‌مانندی باشد، نیست؛ بلکه از انسان به همان صورتی که قبلاً وجود داشت، کپی‌برداری می‌شود.

ثالثاً، اگر به‌طور کلی، تغییر در خلق خداوند به هر نوع آن ممنوع باشد، نباید هیچ‌گونه تغییر و تحول در آبادی و عمران زمین و آنچه که در آن است، جایز باشد؛ در حالی که عمران زمین و بهره‌برداری مناسب از آن و کشف اسرار آن، یک دستور شرعی است که رسیدگی به وضع مسکن، بهداشت، لباس و اصلاح جسم، صورت، نباتات، آنها را و... در آن می‌گنجند. یکی از فقهای بزرگ شیعه در این باره فرموده‌اند:

دلیلی بر حرام بودن تغییر خلقت به‌طور مطلق وجود ندارد؛ چون اگر هرگونه تغییر در خلقت حرام باشد، باید هر نوع تصرف در مصنوعات و مخلوقات خداوند، مثل کانال‌کشی آب‌ها، حفر چاه‌ها، کاشت درختان و زراعت‌ها، قطع ناخن‌ها و تغییرهای دیگر حرام باشد و این قابل قبول نیست. (خویی، ۱۳۷۷: ۱، ۲۵۸)

تولید امروزی جوجه کاملاً با روال طبیعی آن فرق دارد و تغییراتی در آن ایجاد شده است و همه عقلای عالم چه مسلمان و چه غیر مسلمان، آن را به‌عنوان یک امر لازم زندگی پذیرفته‌اند و فقیهی هم به حرمت آن فتوا نداده است. علاوه بر اینکه تغییر، تحول و بهره‌برداری از زمین و محتویات آن هم شرعاً جایز است، همچنان که تحقیق، تفحص و بهره‌برداری از آسمان‌ها نیز جایز است؛ زیرا قرآن می‌فرماید: «وَ فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ.» (ذاریات، ۲۲)

از این آیه معلوم می‌شود که رزق و روزی انسان‌ها در آسمان‌ها و کرات است و به‌دست آوردن روزی از کرات آسمانی هم با تحول و دخل و تصرف در آنها میسر است.

همچنین در قرآن آمده است: «سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ» (جائیه، ۱۳) و مسخر کردن یک چیز به غیر از تفکر، تفحص، تغییر و تحول در آن، چیز دیگری نیست و همین معنا در روایات نیز دیده می‌شود؛ از پیامبر (ص) نقل شده است که:

تَفَكَّرُوا فِي الْخَلْقِ وَ لَا تَتَفَكَّرُوا فِي الْخَالِقِ فَانَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ قَدْرَهُ؛ در مخلوقات خداوند تفکر کنید؛ ولی در خود خالق تفکر نکنید؛ چون شما قدر و کُنه او را درک نمی‌کنید. (قرطبی، ۱۴۰۵: ۴، ۳۱۴)

تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ؛ در نعمت‌های خداوند تفکر نمایید. (سیوطی، ۱۴۲۱: ۲، ۳۸۱)

یکی از لوازم تفکر در نعمت‌های خداوند، بهتر استفاده کردن از آنهاست. اگر انسان بتواند راه استفاده بهتر از نعمت‌های خداوند بیابد، به این حدیث عمل کرده است.

سؤال

اگر پزشکان، زنی را که عقیم است، معالجه کنند و او بتواند بچه‌دار شود در حالی که قرآن می‌فرماید: «وَ يَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا» (شوری، ۵۰) آیا معالجه زن عقیم، منافاتی با این آیه دارد و مصداق تغییر خلق است؟

بعضی مانند شیخ محرز سلامه از مصر، دکتر عبدالله خریجی از دانشگاه ملک عبدالعزیز جده و شیخ محمدمتولی شعراوی، عقیم بودن را یک هدیه الهی و تابع اراده خداوند می‌دانند و درمان آن را مصداق تغییر خلق دانسته و ممنوع کرده‌اند. (غنیم، ۱۴۱۸: ۳۰۱) بعضی دیگر، درمان ناباروری را مخالف سنت خداوند به حساب آورده و هر نوع تلاش برای باردار شدن زن عقیم را مخالف سنت الهی دانسته‌اند. (ریاض احمد، ۲۰۰۳: ۲۰۰)

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت: باردار شدن، کمالی برای زن و هماهنگ با خلقت طبیعی اوست؛ حس بارداری و نیاز به فرزند در غریزه انسان وجود دارد و این حس الاهی باید اشباع شود. اگر شخص عقیم معالجه نشود، او و همسرش دائماً در رنج و عذاب به سر می‌برند و برای رفع مانع و مشکل و بچه‌دار شدن از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد. بنابراین عقیم بودن به‌عنوان یک مرض، امری خلاف طبیعت و باعث قطع نسل انسان می‌شود، که شرع، مداوا کردن آن را جایز و در بعضی از موارد واجب دانسته است.

هدف خداوند از آیه «وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا» نیز تبیین یک سنت الاهی و قوانین حاکم بر پیکر زن است که طبق این قوانین، زن باردار می‌شود و ناباروری به علت اجرا نشدن قوانین الاهی حاکم بر کالبد آنهاست. افزون بر آنکه عقیم به زنی می‌گویند که به‌طور کلی امکان بچه‌دار شدن برای او وجود نداشته باشد؛ ولی اگر زنی ناباروری را از طریق روش‌های جدید علمی مداوا نماید، آن زن عقیم نخواهد بود.

بسیاری از علمای اهل سنت، استدلال مخالفان را قبول نکرده‌اند و درمان زن عقیم و همچنین لقاح برون‌رحمی را جایز و حتی بعضی آن را واجب دانسته‌اند. (احمدسلامه، ۱۴۱۷: ۴۲). «مجمع الفقه الاسلامی» وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی، در سومین نشست خود در عمان (۸ - ۱۳ صفر ۱۴۰۷) موارد مختلف تلقیح مصنوعی را مورد بحث قرار داد و طی یک بیانیه، هفت مورد از آن را بر شمرده که طی آن، پنج مورد را ممنوع و دو مورد دیگر را مجاز شمرده بودند. بر طبق مجاز بودن این دو مورد، عقیم بودن زن درمان می‌شود. (۱۴۱۸: ۳۴)

انسان موظف است به‌وسیله نیروی عقل و اندیشه، مشکلات خود و جامعه را حل نماید تا زندگی بهتری داشته باشد. شریعت اسلام هرگز راضی به رنج و درد افراد عقیم نیست و مانع از معالجه کردن آن نخواهد شد.

۴. مختل شدن نظام زوجیت

بعضی از متکلمان، شبیه‌سازی انسان را خلاف نظریه قرآن درباره تکثیر انسان می‌دانند؛ چون از نظر آنان قرآن برای تولید نسل انسان، روش خاصی را بیان کرده است، مانند:

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً. (نساء، ۱)
وَ خَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا. (نبا، ۸)
وَ أَنَّهُ خَلَقَ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَ الْأُنثَى. (نجم، ۴۵)
وَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ. (ذاریات، ۴۹)

از این آیات، چنین برمی‌آید که نظام زوجیت، یک سنت تکوینی غیر قابل تغییر است. عقد ازدواج هم یک حکم تشریعی است که برطبق همان سنت تکوینی مقرر شده است و شبیه‌سازی، این سنت الاهی را نابود می‌کند. افرادی مانند ریاض احمد و کارم غنیم همین نظریه را پذیرفته‌اند. (ریاض احمد، ۲۰۰۳: ۱۳۰)
قرضاوی در مصاحبه خود در روزنامه *الرأیة* با پذیرش این نظریه می‌گوید:

دانش عصر حاضر، کشف و ثابت نموده که مسأله ازدواج، حتی در دنیای جامدات نیز وجود دارد؛ مثلاً در جریان الکتریسیته، دو قطب مثبت و منفی موجود است؛ بلکه اتم که بنیادی‌ترین زیرساخت جهان است، از دو جزء الکترون و پروتون که به ترتیب، دارای بار الکتریکی منفی و مثبت می‌باشند، تشکیل شده است. (قرضاوی، ۱۳۸۲: ۵۴)

بر طبق این آیات، اگر طریقه دیگری به غیر از آمیزش و ازدواج برای تولید مثل

به‌وجود آید، خلاف دلالت قرآنی خواهد بود. (اشقر، ۱۴۲۲: ۲۵) بنابراین چون شبیه‌سازی انسان، ناقض نظام زوجیت است، پس حرام می‌باشد.

در پاسخ به این شبهه می‌توان گفت:

اولاً، درست است که قرآن کریم، تولید انسان از طریق ازدواج را مطرح کرده است؛ ولی هرگز آن را منحصر به ازدواج و آمیزش ننموده است. به‌عبارت دیگر، قرآن کریم یک راه آسان تولید مثل که همان آمیزش است را بیان می‌کند و این هیچ منافاتی با راه‌ها و روش‌های دیگر تولید مثل ندارد.

ثانیاً، هرگز شبیه‌سازی انسان، خارج از سنت الاهی زوجیت نیست؛ زیرا در مواردی از شبیه‌سازی که از هسته سلول جسمی و تخمک زن استفاده می‌شود، این سنت الاهی اجرا می‌شود و در مواردی هم که فقط از سلول جسمی استفاده می‌شود، خود این سلول، متشکل از گامت‌های نر و ماده است که زمینه تولید نطفه برای آنها فراهم می‌شود. بنابراین شبیه‌سازی انسان، روشی دیگر برای تولید انسان است که خداوند، آن را جزء قوانین تکوینی قرار داده است و بشر توانسته آن را کشف نماید. پس باید این کشف به‌عنوان آیه‌ای بر عظمت خداوند محسوب شود، نه برخلاف سنت او.

ثالثاً، چون انسان با روش معمول آمیزش و ازدواج بچه‌دار می‌شود و با آن خو گرفته است، با سایر روش‌ها مقابله می‌کند و در برابر آنها از خود مقاومت نشان می‌دهد تا اینکه با آن مانوس شود و در آن هنگام آن مجاز می‌شمارد؛ همانند آنچه قرآن برای سفر زیارت خانه خدا بیان می‌کند که: «وَ أَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ.» (حج، ۲۷)

قرآن کریم، روش معمول مسافرت کردن در آن زمان یعنی پیاده یا سواره بر شتر را متذکر شده است و مراد این نیست که از روش‌های جدید برای این منظور استفاده نشود؛ اما بعد از به‌وجود آمدن وسایل نقلیه جدید، گروهی با آن مخالفت

کردند؛ اما این مخالفت، مؤثر نیفتاد.

رابعاً، اگر واقعاً این سخن درست باشد که نظام عالم بر مبنای زوجیت است، به هیچ‌رو امکان نقض آن وجود ندارد؛ چون تنها نقض قوانین تشریحی ممکن است، نه قوانین تکوینی. حال اگر بشر بتواند قانون عام موجود در هستی را نقض کند، معنا و لازمه کلامی خطیری خواهد داشت و آن اینکه بشر، قدرتی همسنگ قدرت لایزال خدا دارد و می‌تواند قانونی را که براساس آن، طبیعت آفریده شده است، نقض کند؛ «سبحان الله عما یقولون علواً کبیراً» این مطلب لوازمی دارد که مخالفان شبیه‌سازی

انسان هرگز آنها را نخواهند پذیرفت. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۰۷)

بنابراین نه‌تنها شبیه‌سازی، خلاف آموزه‌های قرآنی نیست، بلکه در قرآن، آیه‌ای وجود دارد که به بعضی از روش‌های شبیه‌سازی اشاره می‌کند: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ.» (بقره، ۲۲۳) این آیه، زنان را شبیه به کشتزار دانسته است که از آنها بچه متولد می‌شود؛ پس یکی از هدف‌های همسررداری و آمیزش، تولید نسل است. در این صورت بچه‌دار شدن در دستگاه و رحم زنان به هر نحوه‌ای که باشد، هدف آیه برآورده می‌شود. بعضی از انواع شبیه‌سازی انسان می‌تواند یکی از مصادیق باروری و تولید مثل باشد؛ مانند موردی که هسته سلول مرد را با تخمک زن شرعی او مخلوط کنند و در رحم او قرار دهند تا بچه متولد شود.

۵. شبیه‌سازی و تنوع افراد انسان

بعضی دیگر، مختلف بودن شکل‌ها، رنگ‌ها و جهات دیگر افراد انسانی را یک سنت الاهی دانسته و برای اثبات ادعای خود به آیاتی تمسک کرده‌اند؛ از جمله:

و من آیاته خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلَافُ السِّنِّتِكُمْ وَ الْوَالِدَانِ إِن فِی ذَلِکَ لَآیَاتٍ لِّلْعَالَمِینَ. (روم، ۲۲)

وَ لَوْ شَاءَ رَبِّکَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَیَزَالُونَ مُخْتَلِفِینَ. (هود، ۱۱۸)

آنها معتقدند شبیه‌سازی انسان باعث می‌شود تمام انسان‌ها به یک شکل و قیافه و رنگ به‌وجود بیایند و این برخلاف سنت الاهی پیشگفته است؛ زیرا حکمت مختلف بودن افراد این است که همدیگر را بشناسند تا نظام خانواده، جامعه، محاکم قضایی و... به‌هم نخورد. اگر افراد از هر نظر مثل هم باشند، تشخیص آنها مشکل خواهد بود. حتی زن که شبانه‌روز با همسر خود است، نمی‌تواند همسرش را از فردی دیگر تشخیص دهد و نظم جامعه به‌هم می‌ریزد. شما تصور کنید کسی را به خانه‌ای مراجعه می‌کند که با صاحب آن از تمام جهات مثل هم هستند و ادعا می‌کند این منزل با زن و بچه و سایر امکانات آن مال من است و صاحب منزل هم همین را ادعا می‌کند! حال چگونه می‌توان بین اینها تمایز قایل شد و راستگو را از دروغگو تشخیص داد. (سعدی، ۱۴۲۳: ۴۰۳) قضاوی در این‌باره می‌گوید:

دانش‌آموزان شبیه‌سازی شده‌ای را تصور نمایید؛ چگونه معلم آنها را از یکدیگر تشخیص دهد؟ چگونه زید و عمر و بکر را می‌شناسد؟ چگونه مجرم از بی‌گناه تشخیص داده می‌شود، در حالی که صورت‌ها، قیافه‌ها و چهره‌ها (حتی اثر انگشت‌ها) یکی است؟ (قضاوی، ۱۳۸۲: ۳، ۵۴)

حمدی زقزوق (سعدی، همان: ۴۰۷)، دکتر نصر فرید واصل، مفتی مصر (همان: ۴۱۱) و ریاض‌احمد عوده‌الله (ریاض‌احمد، ۲۰۰۳: ۱۳۲) از جمله کسانی هستند که بر این اساس با شبیه‌سازی مخالفت ورزیده‌اند. در پاسخ این شبهه نیز می‌توان چنین گفت: اولاً، هنوز به اثبات نرسیده است که انسان‌های شبیه‌سازی شده از تمام جهات جسمی می‌توانند مثل هم باشند؛ زیرا کیفیت شکل گرفتن جسم انسان، علاوه بر قانون وراثت، به اموری مثل غذا، آب و هوا و موقعیت جغرافیایی وابسته است. (سعدی، ۱۴۲۳: ۷۰) اگر مثلاً یک خانواده سفیدپوست از منطقه زندگی خود

مهاجرت کنند، به مرور زمان در فرم چهره و رنگ آنها تغییراتی به وجود می‌آید و آن حالت اولیه والدین و اجداد خود را از دست می‌دهند. انسان‌های شبیه‌سازی شده نیز در مناطق مختلف زندگی می‌کنند و در نتیجه در روح و روان، رفتار و جسم آنها تغییراتی ایجاد می‌شود، که آن را «جبرگرایی محیطی» می‌گویند و گروهی از دانشمندان، مانند ابن‌خلدون بدان پرداخته‌اند. وی در مورد تأثیر محیط جغرافیایی و آب و هوای متفاوت بر رنگ، اخلاقیات و رفتار انسان‌ها می‌گوید:

زمین دارای هفت اقلیم است که از نظر سرما و گرما و معتدل بودن با هم متفاوت هستند. اقلیم‌های اول، دوم، ششم و هفتم از اعتدال دور هستند، ولی اقلیم چهارم معتدل است و اقلیم سوم و پنجم هم به اعتدال نزدیک‌تر هستند و لذا عمران و آبادی، پوشیدنی‌ها، خوردنی‌ها، میوه‌ها و بلکه حیوانات در این مناطق به اعتدال اختصاص یافته‌اند؛ حتی افراد ساکن مناطق معتدل، از حیث جسم، رنگ، اخلاق و دین نیز معتدل‌تر هستند و حتی اکثر پیامبران الهی از میان همین افراد به وجود آمده‌اند؛ اما ساکنان اقلیم‌های غیرمعتدل و گرم در همه چیز از اعتدال به دور هستند. (ابن‌خلدون، بی‌تا: ۸۲)

ثانیاً، والدینی که فرزندان دوقلو دارند - حتی دوقلوی یک تخمک که ظاهراً از تمام جهات جسمی مثل هم هستند - در ابتدا برای شناسایی آنها مشکل دارند؛ ولی بعداً و به مرور زمان که به آنها عادت می‌کنند، آنها را از همدیگر تشخیص می‌دهند. همین روش والدین دوقلوها را می‌توان برای انسان‌های شبیه‌سازی شده در سطح جامعه و به صورت وسیع و دقیق‌تر اجرا کرد تا مردم به این روش شناسایی عادت کنند.

ثالثاً، مقداری از صفات روحی و روانی انسان‌ها وراثتی است که می‌توان با دست‌کاری ژن‌ها آنها را یکسان کرد؛ ولی بسیاری از اوصاف روحی، به تربیت‌های

خانواده و جامعه وابسته است که در شکل گرفتن شخصیت فرد، نقش اساسی دارند. در نتیجه افراد شبیه‌سازی شده، اختلاف روحی و روانی پیدا می‌کنند و این امر در نوع رفتار آنها تأثیر می‌گذارد و از این طریق می‌توان آنها را شناسایی کرد. (علوان، ۱۴۱۹: ۷۳)

رابعاً، با مجاز شدن شبیه‌سازی انسان، مختلف بودن افراد انسانی از بین نخواهد رفت؛ زیرا این فرایند اصلاً مقرون به‌صرفه نیست و انسان هم معمولاً به‌دنبال آسان‌ترین راه برای رسیدن به مقصود خود است. حتی اگر این فن‌آوری تکامل پیدا کند و همه انسان‌های تولیدشده، شبیه به هم شوند، آن وقت راهی هم برای شناسایی افراد اختراع می‌شود، مثل نهادن یک دستگاه مخصوص در بدن آنها به‌گونه‌ای که هیچ ضرری برای آنها نداشته باشد؛ مشابه سمعک‌های ریزی که در زیر لاله گوش به‌صورت نامحسوس قرار می‌دهند تا مشکل شنوایی را حل کند.

۶. شبیه‌سازی و زندگی پس از مرگ

یکی از دغدغه‌های بشر، زندگی پس از مرگ است. انسان اجمالاً و به‌صورت فطری می‌داند که پس از مرگ، زندگی دیگری وجود دارد و تمام ادیان الهی مخصوصاً اسلام بر آن تأکید فراوان کرده‌اند. همان‌گونه که گذشت، موجودات دارای شکل‌های گوناگونی هستند؛ لذا بعضی در مورد معاد این سؤال را مطرح کرده‌اند که با توجه به آیات و روایات، همه انسان‌ها در معاد به یک صورت و شکل و رنگ محشور می‌شوند و از تمام جهات شبیه هم می‌باشند. آیا می‌توان گفت انسان‌هایی که از طریق استنساخ و شبیه‌سازی به یک شکل درمی‌آیند، زندگی پس از مرگ را هم ادامه می‌دهند؟ تعدادی از آیات و روایاتی که شبیه بودن انسان‌ها را بیان می‌کند، عبارتند از:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا عُرْبًا أَتْرَابًا لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ. (واقعه، ۳۶)
وَ حُورٌ عِينٌ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ. (واقعه، ۲۲ و ۲۳)
وَ عِنْدَهُمْ قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ عِينٌ كَأَنَّهُنَّ بَيْضٌ مَكْنُونٌ. (صافات، ۴۸ و ۴۹)

پیرزنی نزد پیامبر اکرم(ص) آمد و گفت: یا رسول الله آیا من داخل بهشت می‌شوم! پیامبر اکرم(ص) از روی مزاح فرمودند: «پیرزن که داخل بهشت نمی‌شود»؛ آن پیرزن با گریه و ناراحتی بازگشت. پیامبر(ص) فرمودند: او را برگردانید؛ سپس به او فرمودند: «پیرزن هرگز داخل بهشت نمی‌شود» و این آیه را برای او خواند «إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً» که دلالت می‌کند پیرزن هنگام ورود به بهشت، جوان و باکره می‌شود. بنابراین از آیات و روایات چنین استفاده می‌شود که انسان‌ها از نظر شکل ظاهر هم‌شکل، سفید و مانند لؤلؤ و اگر زن باشند علاوه بر آن، باکره هم هستند. آیا شبیه‌سازی چنین افراد همانندی را به وجود می‌آورد؟ (خطاب، بی‌تا: ۵۵)
در منابع اهل سنت و تشیع، روایاتی با این مضمون که انسان‌ها پس از مرگ شبیه‌سازی می‌شوند؛ مانند:

عن ابی هریره ان رسول الله(ص) قال: کل ابن آدم يأكله التراب الا عجب الذنب منه خُلِقَ و فيه یركب؛ خاک، تمام اجزای فرزندان آدم را می‌خورد، غیر از عجب‌الذنب که در روز قیامت انسان از او خلق می‌شود. (حجاج، ۱۴۱۷: ۱۱، ۷۲۲۵)

در روایت دیگری آمده است که «عجب الذنب» اولین چیزی است که انسان از آن به وجود می‌آید؛ در نتیجه مراد از «عجب الذنب» همان سلولی است که حاوی محتویات وراثتی است و از امتزاج سلول مذکر و مؤنث به وجود می‌آید. از این منظر، تمام سلول‌های انسان بعد از مرگ از بین می‌روند، مگر یک یا چند سلول در انتهای

ستون فقرات که چون با کلسیم مقاوم پوشیده شده‌اند، باقی می‌مانند. همین سلول باقی‌مانده برای تولید نسخه‌ای مطابق اصل، به یک محرک نیاز دارد.

طبق روایات دیگر، آن عامل محرک، بارانی است که از آسمان نازل می‌شود و شبیه منی مردان است؛ ولی منی مردان نیست. این عامل، آن سلول را تحریک می‌کند و انسان به وجود می‌آید که این همان عملیات شبیه‌سازی است و انسان‌ها از این طریق دوباره زنده می‌شوند.^۱ (علوان، ۱۴۱۹: ۶۷-۶۹)

گروهی از متخصصان چینی در چندین آزمایش ثابت کرده‌اند که محال است «عجب الذنب» از بین برود و نه با وسایل شیمیایی، نه با سوزاندن و نه با اشعه‌های مختلف محو نمی‌شود و این آزمایش سخن پیامبر اکرم (ص) را تأیید می‌کند. مرکز فتوا در فتوای شماره ۷۷ در تاریخ ششم رجب ۱۴۲۲ فتوا داد که انسان از «عجب الذنب» مبعوث می‌شود. (www.islamweb.net)

قرآن بعد از بیان معاد جسمانی و روحانی، دو دسته آیات درباره نحوه حشر انسان را بیان می‌کند: دسته یکم: آیاتی هستند که باصراحت، بدن محشور را همان بدن دنیوی می‌دانند، نه بدنی مثل و شبیه آن: «وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ.» (حج، ۷) «يَوْمَ يُخْرِجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا.» (معارج، ۴۳)

دسته دوم آیاتی هستند که بدن محشور را شبیه بدن دنیوی می‌دانند، مانند «أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ.» (یس، ۸۱) مرحوم علامه طباطبایی درباره خلق کردن مثل بدن دنیوی، چندین نظریه را مطرح می‌کنند و می‌فرمایند: «حق این است که خلق کردن مثل کفار، همان اعاده ایشان بعد از مردن برای جزاست.

۱ علامه مجلسی بحث درباره عجب الذنب، را در مواضع مختلفی از بحارالانوار مطرح کرده است. (ر.ک، ۱۴۰۳: ۷، ۴۳؛ ۱۳، ۲۷۰ و ۲۷۳)

بعد این سؤال را مطرح می‌کنند که چگونه خلقتِ مثل، اعاده محسوب می‌شود؟
آنگاه چنین پاسخ می‌دهند که:

انسان، موجودی مرکب از نفس و بدن است. بدنش در دنیا لحظه به لحظه در حال تحلیل رفتن و دگرگونی است و پیوسته اجزای آن تغییر می‌کنند. لذا در همین دنیا، انسان در آن قبلی، غیر از انسان در آن بعدی است؛ در حالی که یک شخص است؛ چون روح انسان، شخصیت انسان را در همه آنات حفظ می‌کند. پس بدنی که بعد از مرگ، کالبد آدمی می‌شود، مثل آن بدن قبل از مرگ است، نه عین آن؛ در عین حال، انسان بعد از مرگ، همان انسان قبل از مرگ است. (طباطبایی، ۱۳۹۳: ۱۷، ۱۱۳)

بر این اساس، بدن بعد از مرگ همان بدن قبل از مرگ است؛ گرچه در سلول‌های آن تغییر و تحولی ایجاد شود و این‌گونه تغییر و تحولات به وحدت شخصیتی فرد ضرری نمی‌زند. بنابراین بین این دو دسته آیات، هیچ‌گونه منافاتی وجود ندارد؛ چون همان وحدت شخصیتی که مشکل از روح و بدن دنیایی است و چندین بار هم تغییر می‌یابد، عین همان شخصیت متشکل از بدن و روح در قیامت محشور می‌شود.

طبق این توضیحات روشن می‌شود که نظریه محمد علوان که حشر بدن انسان‌ها را به صورت شبیه‌سازی می‌داند، صحیح نیست؛ زیرا:

اولاً، همان‌گونه که اگر شبیه‌سازی در دنیا واقع شود، فرد اصلی با نسخه او، دو فرد با دو بدن و دو روح هستند و هرگز دارای شخصیت واحد نیستند، اگر انسان به صورت شبیه‌سازی شده محشور شود نیز همان انسان و شخص دنیوی نخواهد بود؛ بلکه بدن و روح او مستقل و بی‌ارتباط با فرد دنیوی است؛ مگر اینکه بگوییم وقتی بدن شبیه‌سازی شد، روح همان فرد دنیوی در بدن شبیه‌سازی شده وارد می‌شود؛ در این صورت سخن ایشان صحیح خواهد بود؛ ولی اثبات این امر،

غیرممکن و مستلزم تناسخ است. ثانیاً، آیات و روایات فراوانی وجود دارد که حشر انسان‌ها را به صورت‌ها و شکل‌های مختلفی می‌داند و طبق آنها، همه به یک شکل و قیامه نیستند. ثالثاً، روایاتی که «عجب الذنب» را مطرح کرده‌اند، همگی خبر واحد هستند و در این گونه مباحث نمی‌توان به آنها استناد کرد. رابعاً، این روایات، مطالبی را به صورت مجمل ذکر کرده‌اند و نمی‌توان به طور قطعی آنها را بر شبیه‌سازی انسان انطباق داد.

نتیجه

بررسی دلایل مخالفان نشان داد که نمی‌توان به استناد آنها شبیه‌سازی انسانی را تحریم نمود و این فن‌آوری هیچ تعارضی با آموزه‌های دینی ندارد؛ اگر کسانی در صدد مخالفت با شبیه‌سازی هستند، باید از دلایلی دیگر بهره‌جویند. بنابراین تکنولوژی شبیه‌سازی از منظر کلامی هیچ اشکالی ندارد؛ بلکه می‌توان برای اثبات قدرت، عظمت و علم خداوند و همچنین برای تقریب کیفیت حشر انسان‌ها به ذهن، از این فن‌آوری مدد جست.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، بی‌تا، *لسان العرب*، بیروت، الهلال.
۳. ابن زکریا، احمد بن فارس، ۱۴۰۴، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی.
۴. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، بی‌تا، *مقدمه ابن خلدون*، بیروت، الاعلمی.
۵. اشقر، محمد سلیمان، ۱۴۲۲، *الابحاث الاجتهادیه فی الفقه الطیبی*، بیروت، الرسالة.
۶. اشقر، محمد سلیمان و دیگران، ۱۴۲۱، *دراسات فقهیه فی قضایا طبییه معاصره*، اردن.

- دار النفاس.
۷. انصاری قرطبی، محمد بن احمد، ۱۴۰۵، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۸. احمد سالم حسن، عایشه، ۱۴۲۹، *الاحکام المتصلة بالحمل فی الفقه الاسلامی*، بیروت، المؤسسة الجامعیة للدراسات و النشر.
۹. اسلامی، سید حسن، ۱۳۸۶، *شبهه سازی انسان از دیدگاه عالم کاتولیک و اسلام*، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۱۰. _____، ۱۳۸۴ الف، «شبهه سازی از دیدگاه کلامی اهل سنت»، *انجمن معارف اسلامی*، ش ۲.
۱۱. _____، ۱۳۸۴ ب، «شبهه سازی در آیین کاتولیک»، *هفت آسمان*، شماره ۲۷.
۱۲. حجج نیشابوری، مسلم، ۱۴۱۷، *صحیح مسلم*، بیروت، دار الفکر.
۱۳. حسینی، سید رضا، ۱۳۸۱، *فرهنگ آثار؛ معرفی آثار مکتوب جهان از آغاز تا امروز*، تهران، سروش.
۱۴. خطاب، عبدالمعز، بی تا، *الاستنساخ البشري*، قاهره، دار الذهبیة.
۱۵. خویی، ابوالقاسم، ۱۳۷۷، *مصباح الفقاهة*، قم، داوری.
۱۶. ریاض احمد، عودة الله، ۲۰۰۳، *الاستنساخ فی میزان الاسلام*، عمان، دار اسامة.
۱۷. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، ۱۳۶۲، *مفردات الفاظ القرآن*، قم، مرتضوی.
۱۸. سلیمی، حسین، ۱۳۸۵، *فرهنگ گرایی جهانی شدن و حقوق بشر*، ایران، وزارت امور خارجه.
۱۹. سعدی، داود سلیمان، ۱۴۲۳، *الاستنساخ بین العلم و الفقه*، بیروت، دار الحرف العربی.
۲۰. سلامة، زیاد احمد، ۱۴۱۷، *اطفال الانايب بن العلم و الشريعة*، بیروت، دار البیارق.

۲۱. سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۲۱، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.
۲۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن الحسن، بی‌تا، *التبیان*، بیروت، الاعلمی.
۲۴. غنیم، کارم، ۱۴۱۸، *الاستنساخ و الانجاب*، قاهره، دار الفکر العربی.
۲۵. علوان، توفیق محمد، ۱۴۱۹، *الاستنساخ البشری بین القرآن و العلم الحدیث*، بیروت، دارالوفاء.
۲۶. فوزی، محمدحمید، ۱۴۲۰، *الاستنساخ البشری بین التحلیل و التحریم*، دمشق، دار الصفدی.
۲۷. فروغی، محمدعلی، ۱۳۶۶، *سیر حکمت در اروپا*، تهران، زوار.
۲۸. فوکویاما، فرانسیس، ۱۳۸۴، *آینده انسانی ما*، ایران، موسسه انتشاراتی ایران.
۲۹. *قرارات و توصیات مجمع الفقه الاسلامی*، ۱۴۱۸، دمشق، در القلم.
۳۰. قرضاوی، ۱۳۸۲، *فروع وحدت*، ش ۱۲.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳، *بحار الانوار*، بیروت، الوفاء.
۳۲. مصباح، عبدالهادی، ۱۴۱۹، *الاستنساخ بین العلم و الدین*، قاهره، دارالمصریة اللبنانیة.
۳۳. محمدی، علی، ۱۳۸۷، *شبیه‌سازی انسان*، قم، معارف.
۳۴. مؤمن، محمد، ۱۳۸۴، «شبیه‌سازی»، *کاوشی نو در فقه اسلامی*، ش ۴۶.
۳۵. معلوف، لوییس، ۱۹۹۲، *المنجد فی اللغة و الاعلام*، بیروت، دار المشرق.
۳۶. ناظمی، علی و دیگران، ۱۳۸۵، *شبیه‌سازی انسان*، تهران، آبیژ.
37. www.zendegi.com/new-page-795.htm
38. www.ejaz.com
39. www.islamweb.net